

زنان در حکومت امام زمان (عج)

<?xml encoding="UTF-8?>



مقدمه

امروز بانوان همانند بسیاری از مردم به آینده می‌اندیشند؛ به يك انقلاب جهانی و يك حکومت موعود، که چگونه در برابر قدرتهای بزرگ غلبه پیدا می‌کند! آیا برنامه های اوچيست؟ چه کسانی با او همکاری می‌کنند و زنان در آن زمان چه نقشی دارند؟ دشمنانش چه کسانی اند و راز و رمز موفقیتش در گرو چیست؟ ما در این نوشتار کوتاه نقش زنان در ایام غیبت و ظهور امام زمان، علیه السلام، را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نقش زنان در دوران غیبت صغری

در دوران سخت غیبت صغری، در روزهایی که شیعیان پس از دویست و شصت سال با يك آزمایش بزرگ رو به رو بودند و می‌بایست با غیبت امام خو کنند، يك زن به عنوان مفزع و پناه معرفی می‌شود و آن مادر بزرگوار امام حسن عسکری، علیه السلام، است. در این دوره، اگر چه امام هادی و امام حسن عسکری، علیهما السلام، زمینه غیبت را از پیش فراهم کرده بودند و شخصیت‌های مورد اعتمادی همانند عثمان بن سعید عمری و پسرش محمد بن عثمان را به عنوان وکیل معرفی کرده بودند، به دلایلی از موقعیت مادر امام حسن عسکری، علیه السلام، معروف به جدّه، استفاده شد و وی پناه شیعه معروف گردید.

از گفتگوی احمد بن ابراهیم با حکیمه دختر امام جواد، علیه السلام، برمی‌آید که پس از گذشت دو سال از رحلت امام حسن عسکری، علیه السلام، همچنان بسیاری از کارها به دست مادر بزرگوار امام حسن عسکری، علیه السلام، انجام می‌شده است ولی در حقیقت از طرف حضرت حجة بن الحسن، علیه السلام، و به فرمان آن حضرت صورت گرفته است.

شیخ صدوق، رحمه الله علیه، از احمد بن ابراهیم نقل کرده است که در سال 262 ق. بر حکیمه دختر امام جواد، علیه السلام، وارد شدم و از پس پرده با وی سخن گفتم و از او درباره اعتقادش به امامان پرسیدم. او همه آنها را یکایک شمرد و آنگاه حجة بن الحسن بن علی را نیز نام برد...

از او پرسیدم: این فرزند کجاست؟ گفت: در پس پرده غیب است. گفتم پس شیعه به چه کسی پناه ببرد؟ گفت: به جدّه، مادر امام حسن عسکری، علیه السلام. سپس افزود: این دستور از سوی امام حسن عسکری، علیه السلام، و به پیروی از امام حسین، علیه السلام، صورت گرفته است.

زیرا امام حسین، علیه السلام، در ظاهر برای حفظ جان فرزندش امام سجاد، علیه السلام، به خواهرش زینب کبری، علیه السلام، وصیت کرد و در نتیجه تا مدتی هرآنچه از امام زین العابدین، علیه السلام، صادر می‌شد به حضرت زینب، علیه السلام، نسبت داده می‌شد تا امر پنهان باشد (1) و حساسیت‌ها نسبت به امام سجاد، علیه السلام، کمتر شود.

این امتیاز برای جدّه باقی بود تا آنکه کسانی مانند عثمان بن سعید و دیگر سفرا و نمایان خاص امام زمان، علیه السلام، در بین شیعیان شناخته شدند و منزلت یافتند.

پس از شهادت امام عسکری، علیه السلام، يك بانو، نظر دستگاه خلافت بنی عباس را نسبت به تعقیب امام زمان تغییر داد. نوشته اند پس از گزارش جعفر کذاب، که در خانه امام حسن عسکری، علیه السلام، فرزند خردسالی از آن حضرت باقی مانده است، آنها به خانه امام هجوم بردند و پس از دستگیری صیقل (یکی از کنیزان امام) فرزند خردسال را از او مطالبه کردند. او نخست انکار کرد و آنگاه برای اینکه موضوع برای آنها پوشیده ماند، گفت من حامله هستم. از این رو آن کنیز را به دست اُبی الشوارب، قاضی وقت، سپردند تا از او مراقبت کند. در مدتی که صیقل زیر نظر قاضی نگهداری می‌شد دستگاه خلافت با مرگ عبید بن خاقانی و شورش صاحب الزنج رو به رو شد و صیقل از وضعیت آشفته سود جست و فرار کرد. (2)

نقش زنان در دوران ظهور

حال سزاوار است بدانیم زنان در حکومت قائم آل محمد، علیه السلام، چه میکنند؟ چه کسانی هستند؟ چند نفرند؟ از کجا می‌آیند و چه مسؤولیتی برعهده دارند؟ براساس برخی از روایات، حضور و نقش این زنان از نظر زمان و موقعیت، چهارگونه است:

الف) حضور پنجاه زن در بین یاران امام

اولین گروه از زنانی که به محضر امام زمان می‌شتابند آنهاست که در آن ایام می‌زیسته‌اند و همانند دیگر یاران امام، علیه السلام، به هنگام ظهور در حرم امن الهی به خدمت امام، علیه السلام، می‌رسند. در این باره دو روایت وجود

دارد:

روایت اول: امّ سلمه ضمن حدیثی درباره علایم ظهور، از پیامبر روایت کرده است که فرمود:

«يَعُوذُ عَائِذُ مِنَ الْحَرَمِ فَيَجْتَمِعُ النَّاسُ إِلَيْهِ كَالطَّيْرِ الْوَارِدَةِ الْمَتَفَرِّقَةِ حَتَّى يَجْتَمِعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ أَرْبَعَةُ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِ نِسْوَةٌ فِيظْهَرُ عَلَى كُلِّ جَبَّارٍ وَ ابْنِ جَبَّارٍ...» (3)

در آن هنگام پناهنده‌ای به حرم امن الهی پناه می‌آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می‌برند به سوی او جمع میشوند تا اینکه در نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفر گرد می‌آیند که برخی از آنان زن می‌باشند که بر هر جبار و جبار زاده‌ای پیروز می‌شود. (4)

روایت دوم: جابر بن یزید جعفی، ضمن حدیث مفصلی از امام باقر، علیه السلام، در بیان برخی نشانه‌های ظهور نقل کرده که:

«و يجيئ والّله ثلاث مائه و بضعة عشر رجلاً فيهم خمسون امراه يجتمعون بمكة على غير ميعة قزعا كقزع الخريف يتبع بعضهم و هي الآية التي قال الله: أينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً إنّ الله على كلّ شيء قدير...» (5)

به‌خدا سوگند، سیصد و سیزده نفر می‌آیند که پنجاه نفر از این عده زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد. این است معنای آیه شریفه: هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر می‌کند. زیرا او بر هر کاری توانا است.

پنجاه زن از سیصد و سیزده نفر!

نکته شگفت در این دو روایت این است که می‌فرماید: سیصد و سیزده مرد گرد آیند که پنجاه نفر ایشان زن هستند!

دوم آنکه: در روایتی که نام یاران برشمرده شده است نام هیچ زنی وجود ندارد. (6)

در پاسخ این شبهه می‌توان گفت: این چند نفر در زمره همان سیصد و سیزده نفر هستند. زیرا اولاً امام، علیه السلام، می‌فرماید: «فیهم» یعنی در این عده پنجاه زن می‌باشد.

دوم: شاید تعبیر مردان بدین سبب باشد که بیشتر این افراد مرد هستند و این کلمه از باب فزونی عدد مردان، چنین ذکر شده است.

سوم: اگر مقصود همراهی خارج از این عده بود امام می‌فرمود: معهم، نه اینکه بفرماید فیهم، زیرا این سیصد و سیزده نفر مانند عدد اصحاب بدر بر شمرده شده‌اند و همه یاران و فرماندهان عالی رتبه و از نظر مقام و قدرت در حد بسیار بالایی هستند که برخی با ابر جا به جا می‌شوند و اینها بدون شك با بقیه مردم آن زمان فرق بسیار دارند. بنابراین اگر بگوییم آنها جزو همان سیصد و سیزده نفر هستند برای آنها رتبه و موقعیت ویژه قائل شده‌ایم و اگر بگوییم در زمره یاران دیگر حضرت باشند از امتیاز کمتری برخوردارند.

(ب) زنان آسمانی

دسته دوم چهارصد بانوی برگزیده هستند که خداوند برای حکومت جهانی حضرت ولی‌عصر، علیه السلام، در آسمان ذخیره کرده است و با ظهور آن حضرت به همراه حضرت عیسی، علیه السلام، به زمین می‌آیند.

ابوهریره از پیامبر، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ، روایت کرده که:

«يَنْزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَى ثَمَانَ مِائَةِ رَجُلٍ وَارْبَعِ مِائَةِ امْرَأَةٍ خِيَارَ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ وَاصْلَحَ مِنْ مَضَى.»

عیسی بن مریم به همراه هشتصد مرد و چهارصد زن از بهترین و شایسته ترین افراد روی زمین فرود خواهد آمد. آیا این زنان از امتهای پیشین هستند یا امت اسلامی زمان پیامبر، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ، و معصومین، علیهم السلام؛ یا از دورانهای مختلف؟ آنها از چه زمان و به چه علت به آسمان برده شده اند و برای عهده داری منصبی در حکومت حضرت می آیند یا برای مسایل دیگر؟ اینها پرسش هایی است که این حدیث از آنها چیزی نمی گوید.

ج (رجعت زنان

سومین گروه از یاوران حضرت بقية الله، علیه السلام، زنانی هستند که خداوند به برکت ظهور امام زمان آنها را زنده خواهد کرد و بار دیگر به دنیا رجعت خواهند نمود. این گروه دو دسته اند: برخی با نام و نشان از زنده شدنشان خبر داده شده و برخی دیگر فقط از آمدنشان سخن به میان آمده است. در منابع معتبر اسلامی نام سیزده زن یاد می شود که به هنگام ظهور قائم آل محمد، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ، زنده خواهند شد و در لشکر امام زمان به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت. طبری در دلائل الامامه، از مفضل بن عمر نقل کرده که امام صادق فرمود: همراه قائم (آل محمد، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ) سیزده زن خواهند بود. گفتم آنها را برای چه کاری می خواهد؟ فرمود: به مداوای مجروحان پرداخته، سرپرستی بیماران را به عهده خواهند گرفت. عرض کردم: نام آنها را بفرمایید. فرمود: قنواء دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه والیه، سمیه «مادر عمار یاسر»، زبیده ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صیانه ماشطه، ام خالد جهنیه. (7)

صیانه ماشطه در زمان حضرت موسی می زیسته است و مادر عمار یاسر در ابتدای بعثت به شهادت رسید. حبابه در زمان علی، علیه السلام، و قنواء در زمان امام حسن و امام حسین، علیه السلام، و بقیه در زمان های دیگر زندگی می کرده اند.

این گروه سیزده نفری رجعت خواهند کرد و خداوند برای قدردانی از آنها، به برکت امام زمان آنها را زنده خواهد کرد.

در این روایت امام صادق، علیه السلام، از آن سیزده زن فقط نام نه نفر را یاد می کند. در کتاب خصایص فاطمیه (8) به نام نسبیه، دختر کعبه مازینه، و در کتاب منتخب البصائر به نام وتیره و أحبشیه اشاره شده است. (9)

زنان سرافراز

اینک به اختصار به شرح حال برخی از زنان نامبرده اشاره می‌کنیم.

1. صیانه ماشطه

او یکی از همان سیزده بانویی است که در دولت حضرت مهدی، علیه السلام، زنده شده، به دنیا بازمی‌گردد. وی همسر حزقیل، پسر عموی فرعون، و شغلش آرایشگری دختر فرعون بود. او همانند شوهرش به پیامبر زمان خود، حضرت موسی، ایمان آورده بود اما همچنان ایمان خود را پنهان می‌کرد. نوشته اند: روزی وی مشغول آرایش دختر فرعون بود که شانه از دستش افتاد و بی‌اختیار نام خدا را بر زبان جاری ساخت. دختر فرعون گفت: آیا نام پدر مرا بر زبان آوردی؟ گفت: نه، بلکه نام کسی را بر زبان آوردم که پدر تو را آفریده است. دختر فرعون ماجرا را نزد پدر بازگو کرد و فرعون صیانه را احضار کرد و گفت: مگر به خدایی من اعتراف نداری؟ گفت: هرگز! من از خدای حقیقی دست نمی‌کشم و تو را پرستش نمی‌کنم. فرعون دستور داد تا تنور مسی برافروزند و همه بچه‌های آن زن را در حضورش در آتش افکنند. چون نوبت به طفل شیرخوارش رسید صیانه می‌خواست به ظاهر از دین برائت جوید که کودک شیرخوارش به زبان آمد و گفت: مادر صبر کن که تو بر حق هستی! فرعونیان آن زن و بچه شیرخوارش را در آتش افکنده، سوزاندند و خداوند در اثر صبر و تحمل آن زن در راه دین، او را در دولت امام مهدی زنده می‌گرداند تا هم به آن حضرت خدمت کند و هم انتقام خود را از فرعونیان بگیرد.

2 - سمیه، مادر عمار یاسر

وی هفتمین نفری بود که به اسلام گروید و بدین سبب دشمن سخت به خشم آمد و بدترین شکنجه‌ها را براو روا داشت. (10)

او و شوهرش یاسر در دام ابوجهل گرفتار آمدند و او نخست آنها را اجبار کرد که پیامبر خدا را دشنام دهند، اما آنها حاضر به چنین کاری نشدند. او نیز زره آهنی به سمیه و یاسر پوشانید و آنها را در آفتاب سوزان نگه‌داشت. پیامبر که گاه از کنارشان عبور می‌کرد آنها را به صبر و مقاومت سفارش می‌نمود و می‌فرمود:

صبراً یا آل یاسر فإنّ موعدکم الجنة.

ای خاندان یاسر، صبر پیشه سازید که وعده گاه شما بهشت است.

سرانجام ابوجهل برهریک ضربتی وارد ساخت و ایشان را به شهادت رساند. (11)

خداوند این زن را به پاداش صبر و مجاهدتی که در راه اعتلای اسلام نشان داد و بدترین شکنجه را از دشمن خدا تحمل کرد، در ایام ظهور مهدی آل محمد، صلی الله علیه وآله، زنده خواهد نمود تا تحقق وعده الهی را ببیند و در لشکر ولی خدا به یاوران آن حضرت خدمت کند.

3 - نسیمه، دختر کعب مازنیه

او معروف به ام‌عمار و از زنان فداکار صدر اسلام است که در برخی از جنگهای پیامبر اسلام، صلی الله علیه وآله، شرکت جسته و مجروحان جنگی را مداوا کرده است. او در جنگ احد بهترین نقش را ایفا کرد. با دیدن صحنه فرار مسلمانان و تنها گذاشتن پیامبر به دفاع از جان شریف پیامبر پرداخت و در این راه بدنش زخمهای فراوان برداشت.

پیامبر عزیز این فداکاری را ستود و به فرزندش عماره چنین فرمود:

امروز مقام مادر تو از مردان جنگی والاتر است. (12)

پس از فروکش کردن جنگ، نسبیّه با سیزده زخم (13) سنگین به همراه دیگر مسلمانان به خانه برگشت و به استراحت پرداخت. با شنیدن فرمان پیامبر خدا، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ، که فقط مجروحان جنگ باید به تعقیب دشمن بشتابند، نسبیّه از جای برخاست و آماده رفتن شد، اما به علت شدت خونریزی نتوانست شرکت کند. همین که پیامبر از تعقیب دشمن برگشت، پیش از آنکه به خانه برود، عبداللّٰه بن کعب مازنی را برای احوالپرسی نسبیّه و سلامتی وی به نزد او فرستاد و چون از سلامتی وی آگاه گشت شادمان موضوع را به پیامبر خبر داد. (14)

نسبیّه از کسانی است که برای یاری امام مهدی، علیه السلام، زنده خواهد شد. (15)

4. امّ ایمن

از زنان پرهیزکار و خدمتکار حضرت رسول، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ، است. پیامبر به او مادر خطاب میکرد و می فرمود: هذه بقیه اهل بیته. (16) این زن، باقی مانده ای از خاندان من است.

وی همواره در کنار زنان مجاهد، در جبهه جنگ به مداوای مجروحان می پرداخت. (17)

ام ایمن از شیفتگان خاندان امامت بود که در ماجرای فدک، حضرت زهرا، علیه السلام، او را به عنوان شاهد معرفی کرد. وی پنج یا شش ماه پس از پیامبر از دنیا رفت. (18) خداوند به برکت مهدی آل محمد، علیه السلام، به هنگام ظهور، او را زنده می گرداند تا در لشکرگاه امام به خدمت گماشته شود. 5. امّ خالد

در روایت دو بانو بدین نام مشهور شده اند: ام خالد احمسیه و ام خالد جهنّیه. شاید مقصود ام خالد مقطوعه الید (دست بریده) باشد که یوسف بن عمر، پس از به شهادت رساندن زید بن علی بن الحسین در کوفه، دست او را به جرم شیعه بودن قطع کرد. در کتاب رجال کشی درباره شخصیت و مقام این زن فداکار از امام صادق، علیه السلام، مطلبی ذکر گردیده که حایز اهمیت است. ابوبصیر گوید: در خدمت امام صادق نشسته بودیم که ام خالد مقطوعه الید از راه رسید. حضرت فرمود:

ای ابابصیر، آیا میل داری که کلام امّ خالد را بشنوی؟

من عرض کردم: آری ای فرزند رسول خدا، با شنیدن آن شادمان می گردم... در همان موقع ام خالد به خدمت امام آمد و سخن گفت. دیدم وی در کمال فصاحت و بلاغت صحبت می کند. سپس حضرت پیرامون موضوع ولایت و برائت از دشمنان با او سخن گفت. (19)

6. زبیده

مشخصات کاملی از او نقل نشده است. احتمال دارد زبیده زن هارون الرشید باشد که شیخ صدوق، رحمه الله علیه، درباره اش گفته است: وی یکی از هواداران و پیروان اهل بیت است. هنگامی که هارون دانست از شیعیان است قسم خورد که طلاقش دهد. زبیده کارهای خدماتی بسیاری داشت که یکی آبرسانی به عرفات است. همچنین نوشته اند وی یکصد کنیز داشت که پیوسته مشغول حفظ قرآن بودند و همیشه از محل سکونت او صدای تلاوت قرآن شنیده شد. زبیده در سال 216 ق. رحلت کرد. (20)

7. حبّابه والبیّه

از زنان والامقامی است که دوره زندگی هشت امام معصوم را درک کرد و پیوسته مورد لطف و عنایت ایشان قرار

داشت. در يك يا دو نوبت به وسیله امام زین العابدین و امام رضا، علیهما السلام، جوانی اش به او بازگردانده شد. اولین ملاقات وی با امیر مؤمنان، علیه السلام، بود که از آن حضرت دلیلی بر امامت درخواست کرد. حضرت در حضور وی سنگی را برداشت و بر آن مهر خود را نقش کرد و اثر آن مهر در سنگ جای گرفت و به او فرمود: پس از من هر که توانست در این سنگ چنین اثری بر جای بگذارد او امام است.

از این رو حبابه پس از شهادت هر امامی نزد امام بعدی می‌رفت و آنان مهر خود را بر همان سنگ می‌زدند و اثر آن نقش می‌بست. نوبت که به امام رضا، علیه السلام، رسید حضرت نیز چنین کرد. حبابه نه ماه پس از رحلت امام رضا، علیه السلام، زنده بود و پس از آن بدرد حیات گفت. (21)

روایت شده است که وقتی حبابه به خدمت امام زین العابدین رسید یکصد و سیزده سال از عمرش سپری شده بود. حضرت با انگشت سبابه خود اشاره‌ای نمود و جوانی اش بازگشت. (22)

همچنین نوشته‌اند: صورت حبابه از زیادی سجود سوخته و از عبادت همانند چوب خشکیده‌ای شده بود. (23)

8. قنواء

دختر رشید هجری، یکی از شیعیان و پیروان علی، علیه السلام، و خود از یاران باوفای حضرت امام جعفر صادق، علیه السلام، است (24). وی دختر بزرگمردی است که در راه محبت و دوستی امیر مؤمنان به طرز دلخراشی به شهادت رسید. از گفتار شیخ مفید برمی‌آید که قنواء به هنگام ورود پدرش نزد عبیدالله بن زیاد شاهد قطع دو دست و دو پای پدر خود بوده و به کمک دیگران بدن نیمه جان پدر را از دارالاماره بیرون آورده و به خانه منتقل کرده است. روزی قنواء به پدرش گفت: پدرجان، چرا این همه خود را به رنج و مشقت عبادت می‌اندازی! پدر در جواب گفت: دخترم، پس از ما گروهی خواهند آمد که بینش دینی و شدت ایمانشان از ما، که این همه خود را به زحمت عبادت انداخته ایم، بیشتر است. (25)

د. بانوان منتظر

چهارمین گروه یاوران امام زمان بانوان پرهیزکاری هستند که پیش از ظهور حضرت بقیه الله، علیه السلام، رحلت کرده اند. به ایشان گفته می‌شود: امام تو ظاهر گشته است، اگر مایلی میتوانی حضور داشته باشی. آنان نیز به اراده پروردگار زنده خواهند شد.

رجعت زنان مربوط به گروه خاصی نیست و هر بانویی خود را با خواسته ها و شرایط زندگی در حکومت مهدی آل محمد، علیه السلام، تطبیق دهد ممکن است در آینده از رحمت خداوندی بهره مند گشته، برای یاری امام زنده شود. یکی از آن شرایط خواندن دعای عهد است که در فرد، نوعی آمادگی برای پذیرش حکومت آخرین ذخیره الهی ایجاد میکند. به فرموده امام صادق، علیه السلام:

هر که چهل صبح دعای عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر هم پیش از ظهور آن حضرت از دنیا برود خداوند او را از قبر بیرون آورد تا در خدمت آن حضرت باشد... (26)

انتظار فرج

یکی از شرایط حضور در حکومت بقیه‌الله و توفیق دیدار با آن حضرت انتظار فرج است؛ یعنی آمادگی کامل برای پذیرش حکومت حق و آراستن به آنچه که مهدی، علیه السلام، می‌گوید و می‌خواهد. انتظار فرج یعنی نفی هرگونه سلطه از بیگانگان و مبارزه با افکار انحرافی و فساد اخلاق و در يك كلام، انتظار فرج یعنی بیزاری از دشمنان خدا و پیامبر و معصومین، علیهم‌السلام.

به‌ی‌سبب نیست که انتظار از بهترین اعمال شمرده شده است، بلکه فرد منتظر دولت مهدی همانند کسی است که در پیش روی رسول خدا شهید گشته و در خون خود غلتیده است و اگر بر همان حالت انتظار از دنیا برود بسان کسی باشد که در خیمه مهدی فاطمه، علیهما‌السلام، می‌باشد.

ابوبصیر از امام صادق روایت کرده که آن حضرت روزی فرمود:

آیا شما را خبر ندهم به چیزی که خداوند عملی را بدون آن از بندگان قبول نمی‌کند؟ گفتیم: آری. فرمود: شهادت بر وحدانیت خدا و رسالت پیامبر، صلی الله علیه و آله، و اقرار به آنچه که خداوند فرموده، از دوستی ما و بیزاری از دشمنان و اطاعت و پیروی از ما. نیز داشتن ورع و پرهیزکاری و انتظار کشیدن برای قائم، علیه‌السلام. آنگاه فرمود: بدرستی که برای ما دولتی است، خداوند آن را هر زمانی که اراده کند برقرار می‌سازد. سپس افزود: هرکس که دوست دارد از یاران قائم، علیه‌السلام، باشد باید در انتظار به سر برد و خود را به ورع و محاسن اخلاق بیاراید، و اگر در همان حال بمیرد برای او اجری همانند کسی است که آن حضرت را درك کرده باشد. (27)

پی نوشتها:

1. سوره تحریم (66)، آیه 11.
2. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، کمال‌الدین، ج 2، ص 50؛ الطوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، ص 138.
3. همان، ص 476.
4. الهیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع‌الزوائد، ج 7، ص 315؛ معجم احادیث الإمام المهدی، ج 1، ص 500.
5. همان.
6. المجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج 52، ص 223.
7. الطبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، ص 314.
8. همان، ص 260.
9. ریاحین الشریعه، ج 5، ص 41؛ به نقل از خصایص فاطمیه.
10. چشم‌اندازی از حکومت مهدی، علیه‌السلام، ص 74؛ به نقل از بیان الاثمه، ج 3، ص 338.
11. ابن الاثیر، علی بن ابی‌الکرم، اسدالغابه، ج 5، ص 481.
12. ریاحین الشریعه، ج 4، ص 353.
13. الواقدی، محمد بن عمر، مغازی، ج 1، ص 273.

14. همان، ج 2، ص 268.
15. همان، ج 1، ص 270.
16. ریاحین الشریعه، ج 5، ص 41؛ به نقل از خصایص فاطمیّه.
17. چشم اندازی از حکومت مهدی، علیه السلام، ص 76؛ تهذیب الکمال، ج 35، ص 329.
18. طبسی، محمد جواد، نقش زنان مسلمان در جنگ، ص 20.
19. قاموس الرجال، ج 10، ص 387.
20. المامقانی النجفی، عبدالله محمد حسن، ریاحین الشریعه، ج 3، ص 381؛ به نقل از تنقیح المقال.
21. همان، ج 3، ص 78.
22. القمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج 1، ص 204.
23. همان.
24. جامع الرواه، ج 2، ص 458؛ رجال شیخ طوسی، ص 341.
25. المفید، محمد بن محمد بن النعمان، الاختصاص، ص 73072.
26. القمی، شیخ عباس، همان، ج 2، ص 294.
27. القمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج 2، ص 486؛ به نقل از: النعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه.